

شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی

دکتر سوسن کشاورز*

چکیده

این مقاله به دنبال آن است که با توجه به تحقیقات انجام شده درخصوص وضعیت موجود تربیت دینی در مدارس و با نظر به شاخص‌های برگرفته از آموزه‌های دینی (اعم از قرآن و سنت)، به آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش رسمی کشور بپردازد. در این مقاله ابتدا با استفاده از روش فراتحلیل و اسنادی، مجموعه‌ای از تحقیقات انجام گرفته در عرصه تربیت دینی در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از روش تحلیلی - استنتاجی تلاش گردیده است با بررسی متون دینی، شاخص‌هایی جهت نقد وضعیت موجود استخراج گردد و در پایان جهت اصلاح و بهبود کمی و کیفی روند تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش رسمی کشور در مقاطع مختلف تحصیلی، با عنایت به مشکلات و آسیب‌های مطرح شده، راهکارهایی جهت نزدیکتر شدن به وضعیت مطلوب در پنج محور رویکرد و برنامه‌ریزی، اهداف، محتوا، روش و معلم مورد نظر قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

تربیت دینی، شاخص‌ها، آسیب‌ها، آموزش رسمی، ایران.

مقدمه

از دیرباز اساس دغدغه فکری انسان، موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های دستیابی به آن بوده و همواره در تمامی ادوار این امر توجه آدمی را به سوی خود معطوف نموده است. اهمیت موضوع تا به آن حد می‌باشد که پیامبران و اولیای آنان به عنوان هادیان جوامع، همواره سرچشمه سعادت و رستگاری بشر را در این عرصه جستجو کرده‌اند. چنانکه قرآن کریم پیامبر اسلام (ص) را به عنوان معلم و مربی بشر معرفی نموده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه، آیه ۲). اساساً، حفظ دین به عنوان زیربنای اعتقادی جامعه و تداوم فرهنگ دینی، مستلزم توجه به کیفیت تعلیم و تربیت است؛ چراکه تربیت واقعی و همه‌جانبه انسان وقتی حاصل می‌گردد که آدمی مطابق دستورهای دینی در زندگی رفتار کند. نهاد خانواده به عنوان اولین کانونی که کودکان در آن پرورش می‌یابند، نقش اساسی در امر تربیت دینی دارد؛ از سوی دیگر، در عرصه اجتماعی کشور، نهادهای آموزشی از آنجایی که ارتباط نزدیک، زنده و متدوام و منظمی با مخاطبان خود دارند که خیل عظیمی از کودکان، نوجوانان و جوانان را دربرمی‌گیرد. جایگاه مهمی در تعلیم و تربیت افراد دارند و در کنار آن سایر نهادهای دیگر اجتماعی نیز مسئولیت اهتمام به امر تربیت دینی آحاد مردم را عهده‌دار می‌باشند. بنابراین به نظر می‌آید تربیت انسان‌های مهذب و هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلام یکی از اهداف و وظایف اساسی در نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد.

اگرچه تعلیم و تربیت انسان‌ها، کاملاً وابسته به آموزش و پرورش رسمی نیست؛ اما باید اذعان نمود که جریان تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی، یکی از مهمترین و هدفمندترین بخش تعلیم و تربیت آدمی است؛ چنانکه در بند چهار پیش‌گفتار کلیات طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش آمده است: «چون وظیفه اصلی نظام آموزش و پرورش، تربیت انسان‌های الهی و هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلامی است، لازم است تزکیه و تربیت همچون نوری بر تمامی عناصر، اجزا و برنامه‌های نظام بتابد

و به منزله بستری برای یکایک آنها باشد. توجه به این مهم که تزکیه نه تنها از تعلیم جدا نیست بلکه به صورتی انفکاک‌ناپذیر به آن پیوسته است و بر آن تقدم رتبتی دارد، موجب می‌شود که در کلیه مراحل سازماندهی و اجرای نظام، تربیت متعادل و متوازن تمام ابعاد شخصیت انسان تا وصول به درجه انسان کامل جهت اصلی حرکت باشد» (طرح کلیات نظام آموزشی و پرورشی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۷، ص ۹) و در بخش سوم این طرح که اصول حاکم بر نظام در آن ذکر گردیده است، در اصل پنجم آن تحت عنوان اولویت تعلیم و تربیت دینی بیان گردیده است که: «تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی از اولویت برخوردار است و آموزش‌های دینی و اخلاقی با تربیت عملی دینی و اخلاقی همراه است». مفاد این اصل، جایگاه تعلیم و تربیت دینی در کل نظام آموزشی را تبیین می‌نماید و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را راهنمایی می‌کند که در صورت وجود تعارض و تراحم میان برنامه‌ها و طرح‌های موردنظر، همواره تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی را بر سایر امور مقدم دارند که می‌توان از این اولویت استنباط نمود که محوری‌ترین جنبه از ابعاد تعلیم و تربیت در نظام آموزش و پرورش همانا تعلیم و تربیت دینی می‌باشد. بنابراین مسئولان به منظور محقق ساختن شرایط مطلوب برای پرورش نسلی با ایمان و مذهبی، موظفند با فراهم کردن برنامه‌های اصولی، این امکان را فراهم سازند. کارآمدی و اثربخشی طرح‌ها و برنامه‌ها، با شناخت همه‌جانبه محتوی مورد تأکید در دین، آینده و فرصت‌ها و تهدیدهای آن و نیز واقعیت‌های موجود و توانمندی‌ها و قابلیت‌های نهفته در آن عجین شده است. برای تبیین دقیق وضع موجود و گمانه‌زنی درباره آینده، به کالبدشکافی و شناخت گذشته نیاز است. اگر برنامه‌ها و فعالیت‌های گذشته، منصفانه و آگاهانه، مورد نقد و بازشناسی قرار گیرند، می‌توان از تجربیات و دستاوردهای مثبت و منفی آن، چراغی فراروی آینده افروخت و در پرتوی نور آن به اصلاح و بهینه‌سازی فرایند تعلیم و تربیت پرداخت و زمینه برنامه‌ریزی مناسب را برای دستیابی به آینده مطلوب، میسور ساخت.

با گذشت بیش از دو دهه از استقرار نظام اسلامی و با وجود تلاش‌های انجام شده جهت آشناسازی کودکان و نوجوانان با اصول و مفاهیم دینی و اخلاقی، تحقیقات انجام

شده در مدارس، نشانگر آن است که مسأله آموزش دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده، گاه با تأثیرات معکوس نیز همراه گردیده و باعث شده است تا ناکارآمدی‌های مذکور تا حد زیادی در بحران‌آفرینی‌ها و کاستی‌های مشاهده شده در رفتارهای دینی نسل نوجوان و جوان ما سهم مؤثری داشته باشد (باهنر، ۱۳۷۸).

از سوی دیگر در بررسی‌های به عمل آمده در زمینه آموزش دینی و کیفیت آن، می‌توان گفت وضع موجود در مدارس از جهات مختلف و به علل گوناگون از جمله برنامه‌های درسی، نیروی انسانی و امکانات، رضایت‌بخش نبوده است؛ چنانچه در تحقیقات انجام شده، دانش‌آموزان احساس دلزدگی نسبت به درس دینی نشان داده‌اند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۳؛ حق‌شناس و قاسمی، ۱۳۶۸).

ناصر باهنر می‌نویسد: «تجربیات موجود و تحقیقات انجام شده در مدارس، نشانگر آن است که مسئله آموزش دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده، گاه با تأثیرات معکوسی نیز همراه گردیده است» (باهنر، ۱۳۷۸، ص ۱۴)؛ علی سادئی در ششمین همایش جایگاه تربیت می‌گوید: «... به عبارت بهتر پیام سمینارها، کنفرانس‌ها و اجلاس‌های متعدد توسط نهادها و مراکز آموزشی و فرهنگی کشور در سال‌های اخیر، نشانه‌هایی از احساس خطر و افزایش ضریب آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل نو می‌باشد» (سادئی، ۱۳۷۴) و قاسم کریمی در هفتمین همایش جایگاه تربیت می‌گوید: «... همگان به وضوح دریافته‌اند که نسل‌های تحت تعلیم، فاقد ویژگیها، اندیشه‌ها و رفتارهای دینی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و انقلابی مورد نظر هستند» (کریمی، ۱۳۷۷ به نقل از بینقی، ۱۳۷۹).

بنابراین، این مقاله به دنبال آن است که با توجه به تحقیقات انجام شده در خصوص وضعیت موجود تربیت دینی در مدارس و با نظر به شاخص‌های برگرفته از آموزه‌های دینی (اعم از قرآن و سنت)، به آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش رسمی کشور بپردازد و سپس راهکارهایی را جهت نزدیک‌تر شدن به وضعیت مطلوب ارائه نماید.

مفهوم تربیت

تربیت عبارت است از زمینه‌سازی برای کمک کردن به متربی جهت شکوفاسازی قابلیت‌ها و توانش‌های درونی‌اش.^۱ امروزه، مربیان و فیلسوفان تعلیم و تربیت می‌گویند که کمک کردن باید در سه شاخهٔ بینش‌ها،^۲ گرایش‌ها و انگیزش‌ها^۳ و رفتارها^۴ انجام شود. مربی با ارائهٔ بینش خاص، با تقویت بعد انگیزشی و گرایشی، و سرانجام با تصحیح و جهت‌دهی عمل، به متربی کمک می‌کند تا استعدادها و قابلیت‌هایش را شکوفا سازد و در جهت کمال مطلق حرکت کند. بنابراین در تربیت، بحث هدایت و فراهم‌آوری زمینه‌های مساعد برای متربی مطرح است، نه ایجاد یک امر بدون زمینه که در واقع نوعی تحمیل یا وارد سازی زورمدارانه باشد.

برای آنکه جریان هدایت‌گری در جهت مطلوب صورت گیرد، نیاز به معیارها و شاخص‌های دقیق و شفاف می‌باشد، بدین منظور در ادامه تعدادی از شاخص‌ها با نظر به سه مشخصه امر تربیت یعنی معرفت، انتخاب و عمل با استناد به آموزه‌های دینی بیان می‌گردد.

شاخص‌های تربیت دینی

۱. معرفت و بصیرت

یکی از محورهای اساسی در امر تربیت، توجه به شاخص معرفت و بصیرت می‌باشد، معرفت و بصیرت به معنای نوعی آگاهی عمیق و گسترده است که نتیجهٔ آن ایجاد پیوند بین انسان و واقعیت موردنظر می‌باشد. در قرآن کریم نیز این شاخص مورد تصریح قرار گرفته است: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا؛ به راستی بیش‌هایی از نزد ربِّ شما برایتان آمده است، پس هرکس در پرتو آن بینا شود، به سود خود چنین کرده است و هر کس کوری ورزد به زیان خود عمل کرده است» (انعام، آیه ۱۰۴).

1. Actualization of the Potentralities
2. Cognitions
3. Tendencies and Motivations
4. Behaviors

در اهمیت و لزوم کسب معرفت برای رشد انسان، همین بس که اگر آدمی علم و آگاهی نداشته باشد نمی‌تواند تکالیف الهی را بشناسد تا به اطاعت از آنها تن در دهد. کسی که از دانش تهی باشد، چگونه می‌تواند به هدف حیات خویش دست یابد تا در آن مسیر گام بردارد.

پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «لیس الأعمی من یعمی بصره انما الاعمی من تعمی بصیرته؛ کور آن نیست که چشم او کور است، بلکه کور آن است که بصیرتش کور است» (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۲).

پیامبر اسلام (ص) از سوی خداوند مأمور می‌شود صریحاً اعلام کند که حرکت او و پیروانش بر مبنای بصیرت و روشن بینی است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلِي اللَّهِ عَلِيَّ بِصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف، آیه ۱۰۸).

بنابراین یکی از شاخص‌هایی که در امر تربیت دینی باید از سوی مربیان مورد توجه قرار گیرد، ارتقای سطح معرفتی و بینشی خود و سپس اقدام به امر تربیت دینی متریبان، با توجه به این شاخص می‌باشد؛ چرا که اگر به دنبال آن هستند که باور و اعتقادی در متریبان ایجاد کنند که عمیقاً در وجود آنان رسوخ نماید، لازمه آن معرفت‌بخشی متریبان است تا با تکیه بر معرفت ایجاد شده، جنبشی در عزم آنان جهت انتخاب‌گری و التزام عملی فراهم آید. بنابراین برای تحقق امر تربیت دینی، این شاخص از دو سو ضرورت می‌یابد؛ از یکسو از آن جهت که اقدام به امر تربیت دینی، بدون دستیابی مربی به معرفت و بصیرت در زمینه اهداف، مبانی، اصول، شاخص‌ها، محتوی، روش‌ها و مراحل تربیت دینی امکان‌پذیر نمی‌باشد و از سوی دیگر، لازمه التزام عملی متریبان به محتوای تربیت دینی، دستیابی آنان به معرفت و بصیرت لازم در زمینه اعتقادات، احکام و اخلاق و ارزش‌ها می‌باشد که این امر نیز نیازمند بهره‌گیری از بینش‌های مناسب ارائه شده از سوی مربی است.

۲. تفکر و تعقل

فکر، تلاش و پویش است که به هنگام مواجهه انسان با مسائل، در وی جریان می‌یابد و

با توجه به ویژگی تفکر در آدمی، باید این پویا بی‌وقفه اندیشه آدمی را هدایت کرد که این امر در واقع بیانگر شاخص تعقل است. در زبان عرب عقل به معنای بند و بازداری است، که در قرآن کریم مفهوم خاصی برای آن در دو سطح شناخت و عمل به کار رفته است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۷).

در سطح شناخت؛ عقل‌ورزی به معنای آن است که افراد، تلاش‌های شناختی خویش را به نحوی تحت ضبط و کنترل درآورند که از کجروی در اندیشه مصون بمانند و در نتیجه آن به شناخت یا بازشناسی امر مورد نظر راه یابند که سه عامل در بازداری شناخت از کجروی، نقش عمده دارند: ارزیابی کفایت ادله، برخوردارگی از علم و کنترل حب و بغض.

در سطح عمل؛ عقل‌ورزی به معنای عملی است سنجیده که توسط بازداری‌های برخاسته از تأمل، کنترل می‌شود و چون افراد به کمک شناخت‌هایی که به دست آورده‌اند به تأمل درباره عمل خود می‌پردازند، بنابراین عقل‌ورزی در مقام عمل به معنای پوییدن در پرتو شناخت‌هاست (همان، ص ۱۸). بنابراین می‌توان دید که میان تعقل، معرفت و عمل ملازمت برقرار است. قرآن کریم بیان می‌دارد که عقل جز بر بستر علم نمی‌روید و برای عاقل بودن باید عالم بود: «... وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت، آیه ۴۳). و راه علم نیز با تبیین هموار می‌شود: «... كَذَلِكَ يبينُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره، آیه ۲۴۲). به همین خاطر است که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «انسان به وسیله خرد و عقل به همه نیکی‌ها دست می‌یابد، هرکس خرد ندارد، دین ندارد» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۹، ص ۵۸).

بنابراین اساس پذیرش دین، تفکر و تعقل است که اگر توسط مریبان و متریبان مورد توجه قرار نگیرد، ریشه‌ها و بنیه اصلی تدین، دچار تزلزل و سستی خواهد گشت.

۳. کرامت انسانی

خداوند همه آنچه را که در محور تعلیم و تربیت انسان نقش دارند، به صفت کرامت ستوده است؛ در سوره علق می‌فرماید: معلم شما خدای اکرم است: «أَقْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ»

(علق، آیه ۳) و نیز فرشتگان را که مأمور ابلاغ پیام کرامتند به عنوان عباد کریم معرفی می‌کند: «کِرَامًا کَاتِبِينَ» (انفطار، آیه ۱۱) و از پیامبر(ص) که معلم انسان‌هاست به عنوان کریم یاد کرده است: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (تکویر، آیه ۱۹). از صحف انبیاء که برنامه‌های تربیتی را دربردارد به عنوان صحف مکرمه یاد نموده است: «فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ» (عبس، آیه ۱۳)، «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعه، آیه ۷۷) و موضوع تربیت را که انسان می‌باشد، به صفت کرامت ستوده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، آیه ۷۰).

کرامت در لغت عبارت از بزرگی، بزرگواری، جوانمردی و... است. راغب اصفهانی در توضیح واژه کرامت می‌نویسد: کرم اگر وصف خدا باشد، مراد از آن، احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد، تمام اخلاق و افعال پسندیده است، به کسی کریم نگویند مگر پس از آنکه آن اخلاق و افعال از وی ظاهر شود (مفردات، بی تا).

از دیدگاه قرآن کریم، انسان دارای دونوع کرامت است: کرامت ذاتی یا هستی‌شناختی و کرامت اکتسابی یا ارزش‌شناختی. منظور از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده است که در مقایسه با برخی موجودات دیگر، از لحاظ ساختمان وجودی از امکانات و مزایای بیشتری برخوردار است و یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته و در هر حال از دارایی و غنای بیشتری برخوردار است. این نوع کرامت، در واقع حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسان‌ها از آن برخوردارند. مقصود از کرامت اکتسابی، دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت برخاسته از تلاش و ایثار انسان بوده و معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوند است.

بنابراین با نظر به شاخص کرامت ذاتی آدمی که اختصاص به تمامی انسان‌ها دارد، باید در امر تربیت دینی توجه داشت که درگام نخست، باید به کرامت انسانی توجه داشت و با نظر به این نوع تلقی از آدمی، قطعاً نوع رفتار ما با متریبان متفاوت خواهد بود؛ در واقع تکریم منزلت موجب ایجاد امنیت در فرد می‌گردد و در روابط انسانی،

روحیه اعتماد متقابل ایجاد می‌کند و در سایه چنین اعتمادی، مناسبات انسانی توسعه می‌یابد و امکان اقدام به امر تربیت مهیا می‌گردد. تکریم منزلت موجب مصونیت فرد در برابر لغزش‌های اخلاقی می‌گردد و زمینه‌های اعتماد به نفس را در افراد فراهم می‌سازد. به تحقیق چنین فضایی، بستر مناسبی فراهم خواهد آورد تا مربی بتواند به امر تربیت دینی اهتمام ورزد.

۴. عزت نفس

با نظر به شاخص کرامت انسانی، باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد. خداوند خود چنین می‌کند و خود را متکفل تدبیر و برآوردن عزت انسان می‌سازد و از این رو، یکی از اوصاف خداوند رب‌العزّة است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، آیه ۸)؛ عزت در اصل به معنی صلابت و حالت شکست‌ناپذیری است، آن حالتی در انسان است که نمی‌گذارد مغلوب کسی گردد و شکست بخورد (راغب اصفهانی، بی‌تا).

برای تأمین عزت در متریان، باید احساس عزت را در آنان به وجود آورد تا مجالی برای تکوین احساس ذلت نماند. ظهور احساس عزت نیز در گرو آن است که انسان خود را قادر برکاری بداند، پس لازم است که فرد خود را کارآمد ببیند و این نیز حاصل آن است که مربی با رفتاری کرامت‌آمیز، بسترهای لازم را برای بروز توانایی‌های متریان با حفظ عزت نفس آنان فراهم آورد؛ بنابراین، از آن جهت که متریان به عنوان موجودات انسانی دارای عزت نفس هستند، مربی در امر تربیت دینی، اول باید توجه داشته باشد که این انسان‌های کریم و صاحب عزت، نیازمند به امر هدایت هستند تا کرامت و عزت آنان بروز و ظهور یابد و دوم آنکه امر هدایت‌گری آنان مستلزم پاسداشت کرامت و عزت نفس آنان است، در غیر این صورت برخلاف امر خداوند و پیامبر اکرم (ص) که خود اکرم و عزتمند بوده‌اند و توصیه به کرامت و عزت انسانی داشته‌اند، عمل نموده است؛ در واقع اقدام به امر تربیت دینی، بدون توجه به شاخص‌های مورد نظر دین، نوعی بی‌توجهی و گاهی زیرسؤال بردن اصل مسأله می‌باشد و قطعاً منتج به عدم دستیابی به هدف تربیت دینی خواهد گشت.

۵. محبت و مهرورزی

اساساً تحقق امر تربیت منوط به ایجاد پیوند عاطفی بین مربی و متربی می‌باشد. تغییر و تحولی که در نتیجه برقراری رابطه محبت‌آمیز در انسان به وجود آید، بسیار ژرف و بنیادی است که خداوند در تربیت انسان، محبت را به عنوان پیوندی محوری به کار می‌گیرد: «... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...»؛ ... پس به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند... (مائده، آیه ۵۴). در این آیه «یحبهم» قبل از «یحبونه» آمده است؛ یعنی ابتدا از ابراز محبت خدا و سپس از ابراز محبت آدمی نسبت به خدا سخن می‌گوید و این نشان می‌دهد که ابراز محبت مربی به دل‌بستگی متربی جهت می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در متربی نسبت به مربی است. هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می‌توان زمینه التزام عملی فرد را به انجام امور فراهم آورد.

قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و پیروان آن حضرت را با وصف مهرورزی، رحمت و عطوفت نسبت به یکدیگر معرفی می‌کردند و لازمه پایبندی به سیره نبوی قرار گرفتن در چنین دایره‌ای است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ... رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، آیه ۳۱).

در واقع محبت، مهربانی و نرمخویی پیامبر اکرم (ص) بوده است که دل‌ها را جذب می‌کرد و الفت می‌بخشید؛ چنانکه خداوند در این خصوص می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ؛ به لطف رحمت الهی با آنان نرمخو و مهربان شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، بی‌شک از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه» (آل‌عمران، آیه ۱۵۹).

۶. اعتدال

از آنجا که انسان همواره در معرض خطر افراط یا تفریط است، شاخص اعتدال در امر تربیت دینی، اهمیت فراوانی دارد، از دیدگاه قرآن کریم، امت اسلامی به عنوان امت

وسط و معتدل معرفی شده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره، آیه ۱۴۳).

اساساً، شأن عقل اعتدال است؛ یعنی انسان عاقل، انسانی معتدل است، اعتدال اصلی است که بر تمامی تعلیمات اسلام احاطه دارد؛ اعتدال در عقیده، اعتدال در برنامه‌های اجتماعی، اعتدال در شیوه‌های اخلاقی. پیامبر اکرم (ص) که خود نمونه‌ی اعلاّی اعتدال‌ورزی بود، تأکید فراوان داشته‌اند که امتش به او تأسی جویند و از افراط و تفریط دوری کنند و سیرت میانه‌روی اختیار کنند و از همین رو با اصرار می‌فرماید: «إِيهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ، عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ، عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ؛ ای مردم بر شما باد به اعتدال و میانه‌روی، به اعتدال و میانه‌روی، به اعتدال و میانه‌روی» (متقی هندی، ۱۹۹۳م، ج ۳، ص ۲۸).

بنابراین مربیان در امر هدایت متربیان به سوی تربیت دینی، باید توجه داشته باشند که از حد اعتدال و میانه خارج نشوند و مبدا که با تکالیف شاق و سخت و به کاربردن روش‌های سختگیرانه، از یکسو دچار افراط گردند و زمینه‌ی روی‌گردانی از دین را در متربیان مهیا سازند و یا در نقطه‌ی مقابل آن با فروگذاری و عدم توجه لازم به انجام تکالیف موردنیاز از سوی متربیان، زمینه‌ی بی‌توجهی و بی‌تفاوتی را در آنان نسبت به امر تربیت دینی فراهم سازند؛ بنابراین، ضرورت دارد که مربیان در امر هدایت متربیان به تربیت دینی، توجه اساسی به این شاخص را داشته باشند تا زمینه‌ی لازم را برای گرویدن و التزام عملی در متربیان فراهم آورند.

متأسفانه واقعیات موجود حاکی از آن است که عدم توجه کافی به این شاخص و افراط در به کارگیری روش‌های سختگیرانه همراه با تحمیل محتوی طاقت‌فرسا بدون برنامه‌ریزی مناسب و لازم در زمینه‌ی اوقات فراغت و امر تفریح، نشاط و شادابی افراد، به‌خصوص در مواجهه با نسل نوجوان و جوان که به دلیل اقتضائات سنی خویش نیازمند چنین اموری می‌باشند، منجر به این برداشت ناصحیح گردیده است که پذیرش دین و تن دادن به تکالیف دینی، باعث از دست دادن تمامی خوشی‌ها و لذات مفید دنیوی خواهد بود؛ در نتیجه، بین تکالیف دینی و لذات دنیوی یکی را باید انتخاب نمود

و یا آنکه چون ضعیف هستند و تاب مقاومت در برابر تکالیف سخت را ندارند، پس بهتر است تعهد به انجام تکالیف دینی را از زندگی خود حذف کنند که نتیجه تمامی این برداشت‌ها منتج به نوعی بی تفاوتی و بی‌مبالاتی در افراد نسبت به فرائض دینی گردیده است.

۷. صبر و بردباری

یکی دیگر از شاخص‌های تربیت دینی، صبر و استقامت و پایداری است که باید از آن در امر هدایت استعانت جست چنانچه خداوند می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ» (بقره، آیه ۴۵). توجه به این شاخص نیز هم از سوی مربی و هم از سوی متربی ضرورت می‌یابد. مربی در فرآیند انجام کار تربیتی خویش، با مشکلات و مسائل زیادی روبرو خواهد گشت که یا از بی‌مبالاتی و بی‌رغبتی متربیان نشأت می‌گیرد و یا عدم وجود پشتیبانی‌های لازم و فراهم نمودن امکانات موردنیاز، ممکن است علت آن باشد. باید توجه داشت که کار تعلیم و هدایت دیگران کاری بس عظیم و مهم است، به همین منظور معلمی شغل انبیاء محسوب گردیده است. بنابراین سخت‌کوشی و مقاومت جزء لاینفک کار مربیگری است؛ از طرف دیگر، متربی نیز در مسیر هدایت‌یابی به دلیل ضعف جسمانی و نفسانی، نباید از ادامه راه مأیوس گردد. باید با مدد جستن از کمک‌های الهی، پشتکار و سخت‌کوشی، همچنین با توجه به منطق و پیامد مطلوب انجام تکالیف، زمینه الزام عملی را در خویش به وجود آورد.

در قرآن کریم در حدود هفتاد مورد از صبر، سخن به میان آمده است و از مؤمنان خواسته شده است که با تمسک به این شاخص، خود را جزء صابران قرار دهند.

پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «الصَّبْرُ سِتْرٌ مِنَ الْكُرُوبِ وَعَوْنٌ عَلَى الْخُطُوبِ؛ صبر، پوششی بر گرفتاری‌ها و کمکی در دشواری‌هاست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۲، ص ۱۳۶). و تأیید بر آن دارند که: «إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ؛ شما به آنچه دوست دارید جز از راه صبر برناخوشی‌ها، دست پیدا نخواهید کرد» (همان، ص ۱۳۷).

و رسالت خویش را چنین بیان می‌دارند: «بعثت للحلم مركزاً؛ برانگیخته شدم که مرکز حلم و بردباری باشم» (همان، ج ۶۸، ص ۴۲۲).

۸. حریت و آزادگی

از آنجایی که انسان دارای نیروی عقل، اراده و اختیار است، قطعاً در مقام انتخاب‌گری و التزام عملی در امر تربیت دینی نباید او را به اکراه و اجبار واداشت؛ چراکه خداوند در آیات قرآنی خویش و در کتاب تربیت خویش می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره، آیه ۲۵۶) که این آیه، هم نهی شرعی و هم نفی تکوینی را در بردارد و در واقع نهی شرعی بر نفی تکوینی بنا شده است.

حریت به معنای آزادگی و آزادمنشی است؛ بیرون شدن از بندگی مخلوقات و بریدن از تعلقات است (معین، ۱۳۷۱). رسالت همه پیام‌آوران الهی این بوده است که آدمی را به آزادی حقیقی برسانند و مردم را از بندگی غیرخدا آزاد سازند و به بندگی خدا برسانند. بنابراین مربی در امر هدایت‌گری باید فعالیت‌های تربیتی خویش را چنان تنظیم کند که متریان، منشی آزاد بیابند و از شخصیتی مستقل برخوردار گردند. آزادی هم در شکل سلبی آن و هم در شکل ایجابی آن مورد نظر می‌باشد. در شکل سلبی آن مربی نباید مانع انجام فعالیت‌های آزادانه متریان گردد؛ چراکه انجام فعالیت‌های آزادانه باعث می‌گردد استعدادهای متریان بهتر شکوفا گردیده و در نتیجه مربی شناخت بیشتری نسبت به متریان به دست آورد و بهتر بتواند امر هدایت‌گری آنها را متفکک گرداند و پیامد دیگر آن این است که انگیزه فعالیت در متریان نیز تقویت می‌گردد. در شکل ایجابی به معنی آن است که متریان بتوانند در سایه روشنائی عقل خویش، با کنترل تمایلات نفسانی، راه درست را بیابند. برای چنین آزادی هم می‌توان دو حد در عرصه درونی و در عرصه بیرونی متصور شد؛ یعنی آزادگی و حریت، مستلزم آن است که متریان هم بر امیال درونی خود مسلط گردند و بتوانند با هدایت عقل، از وابستگی به هواهای نفسانی و زیاده‌خواهی‌های آن رهایی یابند و هم در صحنه اجتماع، از وابستگی به دیگران و پذیرش سلطه آنان، رهایی یابند.

۹. عمل

باید توجه داشت آنچه که در نهایت امر تربیت دینی مورد نظر است، التزام عملی متریبان به رهنمودهای دینی است و این امر، مستلزم تلاش و کوشش وافر از سوی متریبی است. در قرآن کریم، در بسیاری از آیات از ایمان به خدا و عمل صالح به عنوان دو امر در کنار هم یاد شده است که موجب رستگاری و نجات آدمی می‌گردد؛ چراکه ایمان بدون عمل، هیچگونه ثمره‌ای را به دنبال نخواهد داشت و به همین دلیل از دیدگاه قرآن کریم، عمل سازنده شخصیت انسان است: «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا؛ برای هر کس براساس آنچه کرده است درجاتی است» (انعام، آیه ۱۳۲).

تربیتی دینی، مستلزم عمل‌گرایی است؛ از یک سو، مربی باید ضمن اقدام عملی جهت امر تربیت دینی متریبان، خود نیز پایبندی عملی به اعتقادات، احکام و ارزش‌های دینی داشته باشد؛ چراکه عدم پایبندی عملی مربی به آنچه که می‌گوید زمینه بی‌توجهی متریبان به گفته‌های او را فراهم می‌آورد و گاه این ذهنیت را ایجاد خواهد کرد که رهنمودهای ارائه شده شعاری بیش نمی‌باشند و پشتوانه عملی ندارند؛ چنانکه رسول خدا بیان می‌دارند: «هرگاه عالم بداند و عمل نکند، به چراغی می‌ماند که روشنگر مردم است و خویشتن را می‌سوزاند» (متقی هندی، ۱۹۹۳م، ج ۱۰، ح ۲۸۹۷۴) (یعنی خود از این روشنایی سودی نمی‌برد و ضرر می‌کند) و از سوی دیگر مربی باید به دنبال آن باشد که بعد از ارائه معرفت و بینش صحیح و مناسب، زمینه‌های الزام درونی و التزام عملی را در متریبان فراهم سازد.

بنابراین مربی باید بداند راه هدایت با پایبندی عملی است که محقق می‌گردد؛ چراکه رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «همانا علم و دانش (انسان) را به عمل دعوت می‌کند، چنانچه آن را اجابت کرد (و به مقتضای آن عمل کرد پایدار مانده و انسان از آن بهره‌مند می‌شود) و گرنه رخت برمی‌بندد و از وی جدا می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، حدیث ۳۳) پیامبر خدا (ص) تأکید بر آن دارند که: «الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ قَرِينَانِ لَا يَصْلِحُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَّا مَعَ صَاحِبِهِ؛ ایمان و عمل قرین یکدیگرند و هیچ‌یک از آنها بدون دیگری درست نیست» (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹).

آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش کشور

در این قسمت با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور در ارتباط با عناصر برنامه درسی (برنامه، محتوی، روش‌های یاددهی، یادگیری، ارزشیابی) در حوزه تربیت دینی با تأکید بر دوره ابتدایی و با نظر به شاخص‌های مورد اشاره مستخرج از آموزه‌های دین اسلام، آسیب‌شناسی امر تربیت دینی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی به عنوان یک فرایند و برنامه درسی به عنوان یک سند، نقش مؤثری در تربیت دارند ولی آسیب‌هایی نیز آن را تهدید می‌کند. نخستین آسیب، فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه‌های درسی دینی است (ملکی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۳). این قاعده در همه برنامه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد لکن در تربیت دینی توجه مضاعف می‌طلبد. برای برنامه‌ریزی درسی دینی به کارشناسان و صاحب‌نظرانی نیاز داریم که در آموزش معارف دینی متخصص باشند؛ یقیناً افرادی که صرفاً در معارف دینی تخصص دارند قادر به برنامه‌ریزی درسی نیستند، ممکن است گفته شود که برای حل این معضل، برنامه‌ریز درسی و متخصص آموزش در کنار متخصص موضوعی قرار می‌گیرد و با یکدیگر همفکری می‌کنند ولی سابقه برنامه‌ریزی درسی در ایران حاکی از آن است که در کنار هم قرار گرفتن متخصصان، مشکل‌گشا نمی‌باشد؛ بلکه قابلیت‌ها با یکدیگر در ذهن و شاکله وجودی آدم‌ها باید ترکیب شوند. افرادی باید تربیت شوند که با ترکیب تخصص در خود، اصول و روش‌های مؤثر در برنامه‌ریزی و آموزش یک درس را ارائه نمایند. نیروی انسانی با صلاحیت چه در مرکز برنامه‌های درسی و چه در عرصه اجرا و تدریس، تأثیر فوق‌العاده‌ای در تحقق هدف‌های مورد انتظار دارد.

آسیب بعدی را در زمینه نیازسنجی باید جستجو کرد. تشخیص نیازهای تربیت دینی، مبنا و ریشه تعیین اهداف را تشکیل می‌دهد. بدون فهم درست نیازها، فهم

درست و علمی از اهداف نخواهیم داشت.

موضوع مهم در نیازسنجی، توجه به سطوح نیازهاست. نیازها با توجه به ارتباط آنها به امور زندگی سطوح گوناگونی دارد. سطح عالی نیازسنجی عمدتاً بُعد ارزشی دارد و از آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها ریشه می‌گیرند. برای فهم این نوع نیازها باید به سراغ افراد و منابعی برویم که به ارزش‌ها اشراف دارند. صاحب‌نظران دینی، از جمله منابعی هستند که باید با آنان به گفتگو پرداخت و با طرح سؤالات اساسی پاسخ‌ها را دریافت و با تحلیل پاسخ‌ها نیاز را در سطح کلان فهمید. ضرورت این بخش از کار از این بابت است که برنامه‌های درسی نهایتاً باید اعضای جامعه را به آرمان‌های جامعه نزدیک کنند. سطح دوم، نیازهای واسطه‌ای است که آنها را باید در جامعه جستجو کرد. شناخت ماهیت جامعه و فهم درست شرایط اجتماعی مسئله مهمی است که از طریق تحقیقات علمی شناخته می‌شود. به عنوان مثال، فهمیدن اینکه جامعه از جهت دینی و تعلق به ارزش‌ها در چه وضعی قرار دارد، به بررسی دقیق نیاز دارد. این نکته که اعضای جامعه برای زیستن در جامعه با چه مشکلاتی مواجه هستند و برای ایجاد تعادل به چه قابلیت‌هایی محتاج می‌باشند، نیازمند بصیرت است.

سطح سوم نیازها را باید در درون مدارس جستجو کرد. گاهی بین برداشت‌های بزرگان جامعه و تصوّرات نوجوانان و جوانان فاصله زیادی به وجود می‌آید. بی‌اعتنایی به این فاصله، پیام‌های تربیتی را قربانی می‌کند و رشد و کمال افراد را به تأخیر می‌اندازد و با مشکل مواجه می‌سازد. ضروری است نظام ارزشی‌ای که در وجود دانش‌آموزان نهادینه شده است، شناخته شود و مورد تحلیل قرار گیرد؛ از جمله آسیب‌های تربیت دینی این است که صرفاً پیام‌نگر باشیم و به گیرنده پیام توجه کافی نکنیم. این نکته به این معنا نیست که از «نیازهای» عالی و آرمان‌ها صرف‌نظر کنیم بلکه به این معناست که توجه حکیمانه به آنها داشته باشیم. ما در شرایط فعلی از فقدان نگاه حکیمانه به تربیت دینی رنج می‌بریم. نگاه حکیمانه، نگاهی است که به قصد نافذ و پایدار کردن پیام تربیت دینی، ظرفیت‌متربی را در نظر می‌گیرد و بین ظرف و مظروف، نسبت منطقی برقرار می‌کند.

وقتی از نیازهای سه‌گانه اطلاعاتی به دست آوردیم، تحلیل آنها به قصد تشخیص و تعیین نیازهای درسی دینی انجام می‌گیرد. اگر صرفاً به نیازهای سطح عالی توجه کنیم در تربیت دینی دچار افراط خواهیم شد؛ یعنی چیزی را در برنامه از دانش‌آموز خواهیم خواست که با او تناسب ندارد و برعکس، اگر صرفاً به نیازهای عینی و سهل‌الوصول برگرفته از خواسته‌های دانش‌آموزان اکتفا کنیم به کوتاه‌بینی و تفریط گرفتار خواهیم شد. برای دور ماندن از این نوع آسیب‌ها باید نیازسنجی کامل و همه‌جانبه به عمل آوریم تا بتوانیم برنامه درسی کامل طراحی کنیم.

۲. آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر محتوی

محتوا و تجربیات یادگیری جدا از هم نیستند اگر دانش‌آموزان کتابی را می‌خوانند، تجربه و محتوا را با هم ترکیب می‌کنند. محتوا و تجربیات یادگیری به شکلی واحد و مشترک، برنامه درسی را تشکیل می‌دهند. محتوا باید طوری سازمان یابد که ابتدا مسائل غنی‌تر آموزش داده شوند و سپس امور انتزاعی طرح گردند. انباشت مفاهیم در برنامه و بیان آن با ادبیاتی ثقیل و غیرقابل درک، نه‌تنها موجب تربیت دینی یادگیرندگان نمی‌شود، بلکه ممکن است موجب ناخرسندی و دلزدگی یادگیرنده گردد: «نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین مفاهیم ارائه شده در کتاب‌های فارسی، تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی (تاریخ) در مورد امام علی(ع) و برداشت‌های ذهنی فراگیران پایه پنجم ابتدایی تناسب وجود ندارد و دانش‌آموزان فهم درستی از این مفاهیم در ذهن ندارند. به عبارت دیگر ۷۰٪ این مفاهیم برای شاگردان قابل فهم نبوده است» (اسکندری فرد، ۱۳۷۹).

یکی از عوامل مؤثر در تهیه مواد آموزشی توجه به نیازها و انگیزش‌های کودک به عنوان موجودی صاحب عقل و کرامت و حریت می‌باشد؛ بدیهی است کودکی که درمی‌یابد نیازهایش درک شده و عملکرد محیط آموزش در جهت رفع نیازهای اوست، انگیزه بیشتری جهت مشارکت در فرآیند یادگیری به‌ویژه فراگیری انگاره‌های دینی خود پیدا می‌کند. از میان نیازهایی که در دوره ابتدایی از اهمیت بسزایی برخوردار است،

می‌توان به نیاز به پیشرفت، نیاز به خودمختاری، نیاز به بازی، نیاز به حمایت، نیاز به درک حقایق، نیاز به درک غایت، نیاز به همانندی اشاره نمود (کردی، ۱۳۷۹).

بنابراین به منظور تنظیم کتاب‌های درسی دینی ابتدایی، باید به این نیازها توجه کرد. کودک به تخیل، موسیقی، تحرک، شادابی و نشاط، روحیه و امید، عشق و تفکر آرام نیاز دارد. در فرآیند آموزش دینی، لطایف، زیبایی‌شناسی، بازی، جنب و جوش و فرح‌بخشی که از جمله نیازهای اساسی هر کودک دبستانی است، اهمیت بسزایی دارد؛ به همین دلیل وقتی پرداختن به این نیازها را در کتاب درسی، کلاس درس، روش تدریس، شیوه ارتباط، شیوه ارزشیابی و سایر فرآیندهای آموزشی وارد کنند، به تربیت مؤثر و پایدار دست خواهند یافت.

بررسی مضامین کتاب‌های تعلیمات دینی از جنبه وابستگی به منابع بیرونی تشویق و تنبیه، بیانگر این حقیقت است که در بسیاری از موارد، انجام افعال اخلاقی و دستورات دینی به خاطر پاداش آن، مطرح و از طرف دیگر اجتناب از اعمال ناصواب به دلیل دوری از عذاب خداوند و مجازات اخروی توصیه شده است» (حقوق‌شناس و قاسمی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰)؛ به بیان دیگر، کتاب‌های دینی تلویحاً با طرح مکرر پیام «کار نیک برای پاداش نیک»، کودکان را به منابع بیرونی تشویق و تنبیه برای افعال اخلاقی و رفتارهای صواب و ناصواب وابسته می‌کند؛ بدون اینکه از فطرت و یا تفکر آنان برای درک مفاهیم اخلاقی و مذهبی سود جویند؛ درحالی‌که از طریق پدیدار کردن احساس نیاز و گرایش باطنی کودک به معنویت و لطافت‌های مذهبی می‌توان در تربیت دینی آنان موفق بود.

همچنین از طریق تربیت قوه تفکر کودک که یکی از ابعاد مهم تربیت دینی است، می‌توان به یادگیرنده کمک کرد تا به قوه شناخت و تمیز متناسب با سن خود دست یابد، بنابراین مطلوب است به جای بیان صرف پیامدهای فعل نیک و زشت در کتاب‌های تعلیمات دینی، ضمن به تفکر واداشتن دانش‌آموزان دلایل درستی یا نادرستی آن افعال را نیز مورد توجه قرار داد.

۳. آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر روش‌های یاددهی، یادگیری

به طور کلی تحلیل محتوای کتاب‌های دینی دوم تا پنجم ابتدایی نشان می‌دهد که محتوای این کتاب‌ها به گونه‌ای است که معلم در اکثر موارد از روش‌های آموزشی سنتی استفاده می‌کند، لذا برنامه‌های آموزش دینی به صورت یک نظام آموزشی حفظی و لفظی درآمده است (حق‌شناس و قاسمی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸).

همچنین برای نیل به اهداف بیان شده در ابتدای کتاب‌های تعلیمات دینی ابتدایی (پرورش صحیح روح و روان دانش‌آموزان و تکامل بخشیدن به زندگانی آنان، درآمیختن عقاید صحیح دینی آنها، نفوذ اخلاق نیک در باطن وجود دانش‌آموزان و بالاخره پرورش آنان با صفات شایسته انسانی و اهداف متعالی دیگر) باید آنها مفاهیم دینی را به صورتی کاربردی، تحلیلی و باورمند به رفتار و عملکرد دینی درک نمایند؛ زیرا هدف، تنها آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم دینی نیست. به عبارت دیگر، هدف عمده کتاب‌های تعلیمات دینی (آنگونه که در آنها مطرح شده است) تربیت دینی دانش‌آموزان است و هدف تربیت دینی، به‌خاطر سپاری اصطلاحات، واژه‌ها و گفتارهای ذهنی نیست، بلکه هدف اصلی پیدایش تغییرات اساسی در احساس، ارزش، نگرش و باور دانش‌آموز در مورد خود، محیط اطراف پدیده‌ها و رویدادهای درونی، لطف و رحمت خداوند، نظم و هماهنگی هستی، هدفدار بودن و خط سیر داشتن حرکت‌های کیهانی است تا از این طریق، نحوه برخورد و رفتار خود را با خویشتن و جهان پیرامون تنظیم کند؛ درحقیقت، هدف شناخت و انتخاب راه و شیوه عمل از روی تفکر است (دادستان، ۱۳۷۹). به همین دلیل یکی از ابعاد مهم تربیت دینی، تربیت قوه تفکر، تحریک جستجو و کاوش‌گری و بیدار کردن نیروهای نهفته و غیرآشکار دانش‌آموزان است.

هدف مربی برای ارتقاء و پرورش حس دینی کودک، ایجاد دانسته‌ها، معلومات و دانش صوری به صورت حفظی و لفظی نیست، بلکه ایجاد نیاز و خلاء و عدم تعادل در ساختار شناختی و عاطفی کودک است و به این ترتیب دانش‌آموز به دلیل نیاز طبیعی تعادل‌جویی، خود درصدد رفع این نیاز برمی‌آید. در ارائه مطالب دینی به دانش‌آموزان

باید از هرگونه آموزش تحمیلی و انتقال مستقیم مطالب و مفاهیم پرهیز شود و به آنان فرصت داد تا به دست خویش طبیعت و فطرت خود را کشف کنند.

در واقع، برای پرورش حس دینی که احساس طلب و نیاز را در دل ایجاد می‌کند، نمی‌توان فقط به آموزش‌ها و توصیه‌ها و تبلیغات سطحی و صوری اکتفا کرد. تجربیات متعدد نشان داده است که اینگونه آموزش‌ها در پاره‌ای از موارد نه تنها به پرورش حس مذهبی دانش‌آموزان کمکی نکرده، بلکه مانع آن هم شده است؛ چراکه تعدد و تراکم مطالب دینی در کتب درسی نتوانسته به پرورش حس مذهبی دانش‌آموزان منجر شود.

به منظور پرورش حس مذهبی در دانش‌آموزان باید راه و روش اصلی تربیت دینی را جستجو نمود تا خود فرد بدون القاء و اجباری بیرونی به کشف و شکوفایی آن دست یابد و اگر آموزش و تعلیمی هم در این رابطه وجود دارد، باید در جهت یاری کردن کودک برای کشف آن توسط خودش باشد، نه اینکه مطالب از بیرون و به‌طور آماده در اختیارش قرار گیرد. در غیر این صورت مطمئناً در روند پرورش حس مذهبی او اختلال، کندی و یا شاید حجاب بزرگی را هم ایجاد نموده‌ایم، زیرا ما با ارضای بیرونی و انتقال مطالب و مواد صوری دینی به او، انگیزه درونی، کنجکاوای ذاتی، عشق وجودی و نیاز فطری او را کاهش داده‌ایم (کریمی، ۱۳۷۳).

هدف تربیت دینی برانگیختن شوق و رغبت دینی است. از سوی دیگر، آموزش دینی باید با پرورش حس دینی همراه باشد؛ در غیر این صورت نه تنها کمکی به تقویت تمایلات فطری نمی‌کند، بلکه خود مانع و حجاب بزرگی در برابر این تمایل خودانگیخته می‌گردد؛ چراکه تربیتی پایدار و اصیل است که طبیعی و خودانگیخته باشد و بدون وابستگی به انگیزه‌های بیرونی و تویخ‌ها و تشویق‌ها، برخاسته از باور درونی و وجدان فطری فرد باشد. به طور کلی در تربیت دینی، باید از اینکه فرد را به خاطر اعمال و افعال دینی و اخلاقی صرفاً به منابع تشویق و تنبیه بیرونی وابسته کنیم، پرهیز نماییم و اگر چنین روش‌هایی در نظام تربیتی تقویت گردد، در نهایت تربیت دینی یک تربیت شکننده و ناپایدار می‌گردد که هیچگاه منجر به عشق الهی نمی‌شود. همچنین برخوردهای تحکمی و سخت‌گیرانه و غیرمعتدلانه مربیان با متریان به عنوان موجوداتی

صاحب کرامت و دارای حریت به گونه‌ای نباید باشد که باعث از بین رفتن عزت نفس آنان گردد؛ چراکه این امر زمینه عدم اعتماد به نفس را در آنان جهت اصلاح رویه‌ها و ضعف‌های اخلاقی فراهم آورده است و شوق به همراهی و همدلی با مربی را در متری از بین می‌برد.

۴. آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر ارزشیابی

امر تربیت دینی در مدارس که فعلاً به طور مشخص شامل ارائه دروس دینی و قرآن و انجام فعالیت‌های تربیتی است؛ از همان نظام ارزشیابی تبعیت می‌کند که سایر دروس نظیر ریاضی، علوم و ... یعنی مبتنی بر شیوه سنتی امتحان و ارزشیابی دانش‌آموز از طریق نمره است؛ در حالی که این شیوه سنتی به دلایل ذیل اشتباه است:

اولاً، دروس دینی و قرآن هرچند به لحاظ روش‌های آموزشی نیازمند ارزشیابی روند پیشرفت و آموخته‌های دانش‌آموزان است، با این وجود اکتفا به میزان محفوظات ذهنی و تأکید بر قدرت پاسخگویی دانش‌آموز به سؤالات نمی‌تواند اهداف اصلی این دروس را به خوبی محقق ساخته، عملکرد دانش‌آموزان را ارزشیابی کرده، نمایانگر میزان پیشرفت آنان باشد؛ ثانیاً، ارزشیابی دانش‌آموزان با این شیوه سنتی، موجب ترغیب و حتی انگیزه بیشتر آنان برای ادامه مطالعات و پیگیری بعدی آموزش‌ها از سوی دانش‌آموزان نخواهد شد، چرا که مبتنی بر عملکرد و رفتارهای مکرر عادت‌گونه و شوق انگیز نیست؛ ثالثاً، نظام ارزشیابی فعلی، به‌ویژه در امور ارزشی، اعتقادی به معنای نوعی برچسب منفی زدن به دانش‌آموزان ضعیف‌تر است، همان کسانی که اتفاقاً به علت ضعف اعتقادات دینی خانواده و یا به لحاظ نیاز به جبران کمبودها و افت تحصیلی خود، بیش از دیگران به چنین آموزش‌هایی نیازمندند؛ در واقع دانش‌آموزی که دارای افت تحصیلی است، خود به خود دارای افت اعتقادی - دینی نیز خواهد بود، دسته‌بندی دانش‌آموزان به لحاظ تربیت دینی، عواقب بسیار جبران‌ناپذیری خواهد داشت و این عمل در واقع تولید نوعی افراد نابهنجار و بزهکار برای جامعه آتی است و در نهایت آن که در ارزشیابی فعلی تربیت دینی، معیار اصلی پیشرفت، نظام نمره‌دهی

است؛ درحالیکه، تبدیل اعتقادات دینی و باورهای ارزشی افراد به نمرات، در واقع کمی کردن این ابعاد کیفی، موجب تنزل معنویت و اشتباه صددرصد آنان نسبت به امور دینی خواهد شد. به بیان صریح تر چه بسا دانش‌آموزانی که نمره بالا از درس دینی و قرآن دریافت می‌کنند و در نتیجه هم خود و هم خانواده‌هایشان، برداشت مثبتی از شکل‌گیری اعتقادات دینی خود دارند و چه بسا دانش‌آموزانی که با نمره پایین، خود و خانواده‌هایشان به غلط تصور می‌کنند که زمینه پیشرفت دینی برای آنها وجود ندارد؛ هر دوی این قضاوت‌ها اشتباه است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

همه انسان‌ها بر اساس فطرت الهی متولد می‌شوند، چنانکه رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «کل مولود یولد علی الفطرة الا ان ابوه یهودا نه او ینصرانه او یجسانه»، به عبارت دیگر افراد دارای تجهیزات دینی و اخلاقی هستند، ولی ذخایرانان به صورت بالقوه است و به مرور زمان از طریق تربیت، با تلاش و کوشش مربیان و خود فرد، از صورت قوه خارج شده، به فعلیت درمی‌آیند. این مقاله به دنبال آن بود که با توجه به شاخص‌های مستخرج از آموزه‌های دینی، با نگاهی آسیب‌شناسانه تلاش‌های انجام گرفته در عرصه آموزش و پرورش کشور را در راستای امر تربیت دینی دانش‌آموزان، مورد بررسی قرار دهد. مستندات مورد اشاره در متن تحقیق بیانگر آن بود که نظام آموزشی در پرورش و تقویت گرایش‌های دینی دانش‌آموزان، آن‌گونه که شایسته است موفق نبوده است؛ لذا لازم است نگاهی دوباره به عملکرد خود در این زمینه داشته باشد و به تجدیدنظر و اصلاح روش‌ها و راهبردهای خویش بپردازد.

آموزش و پرورش برای توفیق در امر تربیت دینی دانش‌آموزان و نیل به اهداف موردنظر و به‌ویژه درونی کردن تربیت دینی باید با در نظر گرفتن شاخص‌های مورد تأکید در آموزه‌های دینی و استفاده از شیوه‌های مناسب و مؤثر مبتنی بر اصول روان‌شناختی نوین، به کارگیری مربیان آگاه و باکفایت و درایت، بازنگری و اصلاح مستمر کتب درسی به تناسب پرسش‌های دینی نسل جوان در عصر اطلاعات، گام‌های

عملی و جدی را در زمینه کیفیت بخشی و اصلاح عملکردها در جهت نزدیک تر شدن به وضعیت مطلوب تربیت دینی فراگیران بردارد. جهت اصلاح و بهبود کمی و کیفی روند تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش رسمی کشور در مقاطع مختلف تحصیلی، با عنایت به مشکلات و آسیب‌های مطرح شده، پیشنهادها و راهکارهای ذیل ارائه می‌گردد.

ارائه راهکار

راهکارهای پیشنهادی به تفکیک در پنج محور شامل: رویکرد و برنامه‌ریزی، اهداف، محتوا، روش و معلم مطرح گردیده است.

محور اول: رویکرد و برنامه‌ریزی

- برای امر تربیت دینی باید نگرش سیستمی و جامع طراحی گردد؛ از آنجایی که تحقق امر تربیت وظیفه سه‌نهاد خانواده، دولت و تشکل‌های مردمی است این طرح باید همکاری، هماهنگی و تعامل میان این سه نهاد را با توجه به اقتضات زمانی و مکانی و چالش‌های موجود در کشور مورد توجه قرار دهد.

- ایجاد نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی درسی و ملحوظ نمودن آموزش و پرورش به عنوان یک مجموعه درهم تنیده و یک کل مرتبط به هم که از آموزش تمامی دروس، باید به پرورش مبتنی بر اهداف از قبل تعیین شده دست یابد (تحقق اصل چهارم طرح کلیات نظام آموزش و پرورش). برای این امر باید به آموزش و پرورش نگاهی فرارشته‌ای داشت و قبل از طراحی هر جزء طرحواره، مجموعه برنامه‌ها و آموزش‌ها با محوریت تعلیم و تربیت دینی پردازش شود و برنامه درسی با رویکرد بین رشته‌ای و تلفیقی ساماندهی گردد.

- دارا بودن نگرش سیستمی در امر تربیت دینی دانش‌آموزان درخصوص توجه به جنبه‌های مختلف رشد (جسمانی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی، معنوی)؛ توجه به نیازهای مختلف دانش‌آموزان (نیاز به پیشرفت، نیاز به خودمختاری، نیاز به بازی، نیاز به حمایت، نیاز به درک حقایق و...); توجه به تعاملات و ارتباطات بین تمامی عوامل

تأثیرگذار، سهیم و دخیل در امر تربیت (خانواده و دولت و تشکل‌های مردمی، نظام تربیت و مربیان و متریان، دانش‌آموز و معلم، معلمان با یکدیگر، دانش‌آموزان با یکدیگر، خانواده و مدرسه).

- دارا بودن نگرش سیستمی در امر تدوین اهداف کلی برنامه درسی دینی درخصوص توجه به ارتباط و انسجام منطقی و طولی اهداف در کلیه مقاطع ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان.

- تقویت و ارتقای فعالیت‌های کمی و کیفی انجمن اولیاء و مربیان به‌خصوص در زمینه آموزش خانواده‌ها و راهنمایی اولیاء در زمینه تربیت فرزندان.

- استفاده از برنامه‌ریزی نیمه متمرکز، بدین‌گونه که اهداف کاملاً عمده و رئوس محتوای فراگیر برای تمام کشور، از سوی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی مشخص شود و بقیه مراحل نظیر عملیاتی کردن اهداف و پیش‌بینی مواد آموزشی توسط استان‌ها، مناطق و مدارس کشور صورت پذیرد.

- برنامه‌ریزان تربیت دینی در مدارس، محیط یادگیری را علی‌رغم داشتن ساخت و سازمانی از پیش تعیین شده، باید از نظر مواد و منابع و اندیشه غنی نمایند و با هدایت و رهبری معلم، امکان کاوش آزادانه درباره مسائل گوناگون مذهبی و اخلاقی را به دانش‌آموز بدهند، همچنین با توجه به نیازهای شخصی، تفاوت‌های فردی، تجارب و ویژگی‌های خاص محیط اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموز، لازم است برنامه‌ریزی دینی از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد.

محور دوم: اهداف

- اهداف تدوین شده در امر تربیت دینی، در کلیه مقاطع می‌باید با نوعی بینش واقع‌گرایانه و نه آرمان‌گرایانه، تدوین گردد و زاویه و قدرت تحلیل ذهنی و از همه مهم‌تر رغبت دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف‌ها، لحاظ گردد و از سوی دیگر، معیارهای لازم در تدوین اهداف مانند توالی، استمرار، جامعیت، وسعت، پیوستگی و تعادل مورد توجه قرار گیرد.

- از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل سایر کتاب‌های درسی (فارسی، ادبیات، تعلیمات اجتماعی و تاریخ) جهت تحقق اهداف تربیت دینی به خصوص در دوره ابتدائی که معلم دروس مختلف یک نفر است، استفاده مناسب به عمل آید.
- اهداف در حیطه شناختی در تمامی سطوح، شامل: دانش، فهم، کاربرد، تحلیل و ارزیابی طراحی گردد. علاوه بر آن به تمامی حیطه‌های یادگیری در هنگام تدوین اهداف اعم از حیطه عاطفی و روانی - حرکتی توجه گردد.
- اهداف تربیت دینی - اخلاقی مصوب، با ماهیت محتوای دروس و فعالیت‌های در نظر گرفته شده مدارس، در راستای تربیت دینی دانش‌آموزان، تطابق داشته باشد.

محور سوم: محتوی

- در طراحی محتوی کتاب‌های دینی باید به شاخص‌های معرفت، بصیرت، تفکر، تعقل و عمل توجه داشت تا مطالب ارائه گردیده نتیجه تأثیرگذار در عملکرد متربیان داشته باشد؛ قطعاً اگر این سه معیار مطمح نظر باشد بسیاری از آسیب‌های موجود از جمله بی‌انگیزگی، سطحی‌نگری، انتزاعی بودن، توجه بیش از اندازه به بعد دانشی، ثقیل بودن و عدم تأثیرگذاری از بین خواهد رفت. به نظر می‌آید در دوره ابتدائی معلمان می‌توانند با مواجهه مستقیم دانش‌آموزان با پدیده‌های طبیعی و زیبایی‌های جهان آفرینش و با تأکید بر تقویت توانمندی‌های حسی و عاطفی دانش‌آموزان و بیان پیامدها و آثار مثبت و منفی فردی و اجتماعی محورهای مورد بحث، در راستای ارتقاءبخشی سطح معرفتی یادگیرندگان اقدام نموده و در عین حال انگیزه و رغبت لازم را جهت توجه به مطالب بیان شده و عمل به آن در یادگیرندگان فراهم آورند.
- دقت در ظرافت معرفی امامان به گونه‌ای که هم به جنبه قدسی و معنوی و مقام رفیع و دست‌نیافتنی ایشان توجه شود و هم معرفی به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند از ایشان الگوگیری کنند.
- از عامل تکرار زائد برخی از مباحث خودداری گردد؛ چراکه یک نوع احساس سیری و دلزدگی در دانش‌آموزان در خصوص درس دینی ایجاد خواهد کرد.

- در مباحث خداشناسی، خدا به گونه‌ای معرفی شود که دوستی و عشق او در دل کودک ایجاد شود و پایه‌ریزی یگانه‌پرستی در کودک دوره ابتدایی، باید بر تجسمی زیبا از خدا و احساس امنیت در ضمیر کودک مبتنی باشد.
- آشنا نمودن دانش‌آموزان با سایر ملل مسلمان جهان، به منظور تقویت روحیه وحدت جهانی بودن دین اسلام به ترتیبی که حداقل یک درس در کتاب تعلیمات دینی به مبحث ملل مسلمان جهان اختصاص یا بد.
- در پایان مطالب کتاب‌های دینی به کلیه منابع و مراجعی که در متن کتاب از آنها بهره گرفته شده، اشاره شود تا ضمن سوق دادن دانش‌آموزان علاقه‌مند به مطالعه کتب جنبی، فرهنگ حفظ امانت را عملاً به آنان یاد داد.
- نحوه ارائه محتوا در کتاب‌های درسی باید به گونه‌ای سازماندهی گردد که دانش‌آموزان به صورتی فعال و از روی رغبت با کتاب، تعامل برقرار کنند و شیوه سازماندهی مطالب، آنان را به تفکر، تدبیر و فعالیت وادارد.

محور چهارم: روش

- روش‌های تدریس مبتنی بر سخنرانی، هرگونه فرصت را برای فعالیت از دانش‌آموزان سلب می‌کند؛ درحالی‌که، استفاده از روش‌های فعال مانند: روش حل مسئله که انجام آن مستلزم تلاش عقلانی، جسمانی، عاطفی و اجتماعی یادگیرندگان و راهنمایی و هدایتگری معلمان است و درگیری مستقیم و مواجه رودرروی یادگیرندگان با موضوعات و مسائل در قالب انجام پروژه‌های فردی و گروهی و گزارش نتیجه آن به کلاس، می‌تواند امکان مشارکت را برای دانش‌آموزان فراهم آورد.
- ارائه مطالب آموزشی باید جذاب و با توجه به علائق و نیاز دانش‌آموزان باشد؛ این امر، دانش‌آموز را برای بیشتر دانستن و درگیر شدن با موضوعات تحریک می‌کند، ارائه مطالب به صورت بازی، قصه، معما، نمایش و نقاشی، بهترین روش کار در دوره ابتدایی است.
- رویکرد موردنظر در آموزش باید به جای چه یادگرفتی و چه مقدار یادگرفتی، به چگونه یادگرفتی، تغییر یابد، در این صورت ذهن دانش‌آموز مخزنی نیست که از

اطلاعات انباشته شده باشد بلکه دانش‌آموز مستقیماً با موضوعات درگیر شده و به تفکر واداشته می‌شود.

- جذاب بودن کتاب‌های دینی از نظر ظاهر و محتوا و آشنایی دبیران دینی و قرآن با روش‌ها و متدهای جدید آموزشی و به کارگیری این روش‌ها در کلاس‌های تدریس، باعث جذب بیشتر دانش‌آموزان خواهد شد.

محور پنجم: معلم

- لازمه تحقق امر تربیت دینی در آموزش و پرورش، حمایت مادی و معنوی از معلمان است تا آنان با آسودگی خاطر بتوانند در راستای وظیفه خطیر خویش همت گمارند.

- اصل وحدت رویه در منابع الگویی در جامعه و تعلیم و تربیت، اقتضا می‌کند کلیه معلمان و دبیران در راستای تحقق اهداف آموزش و پرورش، همسو و هماهنگ عمل کنند. این مربیان اگرچه آموزش دروس متفاوتی را عهده‌دار می‌باشند ولی عملاً باید مروج و عامل الگوهای رفتاری واحدی برای تربیت دینی در دانش‌آموزان باشند.

وحدت رویه الگویی مربیان، از مهمترین عوامل تأثیرگذار در تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشد.

- ویژگی‌هایی که می‌تواند پل ارتباطی بین معلم و دانش‌آموز باشد مانند علم، داشتن شخصیت قابل احترام، داشتن فضایل روحی، آشنایی با مخاطبان و شیوه‌های برخورد با آنان، احترام به شخصیت دانش‌آموزان، احترام به حقوق دانش‌آموزان، آزادی فعالیت در کلاس، انعطاف‌پذیری و معتدلانه عمل کردن، صبور بودن و سایر روش‌هایی که باعث محبوبیت و مقبولیت در بین دانش‌آموزان می‌شود، باید سرلوحه کار معلم دینی قرار گیرد.

- مربیان تربیت دینی باید به معارف عمیق، متناسب با شبهات قابل طرح و با توجه به مقتضیات زمان به سلاح دانایی، به شیوه‌های روز مجهز گردند و از طرف دیگر فرصت بیان و نقد را هم برای متربی فراهم آورند.

منابع

قرآن کریم.

آرمند، محمد (۱۳۷۱)، «رابطه نگرش معلمان نسبت به روش‌های تدریس فعال با ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای در کلاس‌های پنجم مدارس ابتدایی پسرانه»، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن الحسین (۱۳۶۹)، *تحف العقول من آل الرسول*، ترجمه خلیل کمره‌ای، قم: انتشارات الاسلامیه.

اسکندری فرد، محمدرضا (۱۳۷۹)، طرح تحقیقاتی «بررسی تناسب و سازگاری مفاهیم ارائه شده در کتاب‌های فارسی، دینی و تعلیمات اجتماعی (تاریخ)، پایه پنجم ابتدایی در مورد امام علی (ع) با برداشت‌های ذهنی شاگردان»، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

اصفهانی، راغب (بی‌تا)، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: المکتبه المرتضویه.

امام جمعه، سید محمدرضا (۱۳۸۰)، «ارزیابی راهنمایی برنامه درسی دوره ابتدایی»، *تربیت اسلامی*، کتاب ششم، تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.

باقری، خسرو (۱۳۸۲)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.

باهنر، ناصر (۱۳۷۸)، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

بینقی، تقی (۱۳۷۹)، «نیازسنجی آموزشی در تربیت دینی - اخلاقی»، *تربیت اسلامی*، کتاب سوم، قم: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.

حق‌شناس، مرجان و قاسمی، مریم (۱۳۶۸)، *نقد و ارزیابی کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی*، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

دادستان، پریخ (۱۳۷۸)، «بررسی توانمندی‌های ذهنی دانش‌آموزان دوره ابتدایی به منظور تعیین استانداردهای آموزشی»، *مجله رشد آموزش ابتدایی*، سال سوم،

شماره ۱۸.

- دادستان، پریخ (۱۳۷۹)، «تحول‌شناختی و آموزش دینی»، *مجله رشد آموزش ابتدایی*، سال سوم، شماره ۲۳.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۷۳)، «بررسی نظرات مؤلفان کتب دینی دوره متوسطه، دبیران دینی و دانش‌آموزان چهارم دبیرستان‌های شهر مشهد در مورد میزان مطلوبیت محتوی کتاب دینی چهارم متوسطه». تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۸۰)، *تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش با تربیت دینی*، تهران: نشر مطالعات اسلامی.
- شیروانی، علی (۱۳۸۵)، *نهج الفصاحه*، تهران: انتشارات دارالفکر.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۳)، *تربیت آسیب‌زا*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- کردی عبدالرضا (۱۳۷۸)، «نقش الگویی معلم ابتدایی در تربیت دینی»، *مجله رشد آموزش ابتدایی*، سال سوم، شماره ۲۰.
- کردی، عبدالرضا (۱۳۷۸)، «مفهوم تربیت دینی در آموزش ابتدایی»، *مجله رشد آموزش ابتدایی*، سال سوم، شماره ۱۷.
- کردی، عبدالرضا (۱۳۷۹)، «نیاز و انگیزه در تربیت دینی دانش‌آموزان ابتدایی»، *مجله رشد آموزش ابتدایی*، سال سوم، شماره ۲۴.
- کریمی، قاسم (۱۳۶۸)، *سنجش نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس تعلیمات دینی و قرآن (مقایسه آنها با سایر دروس) در مدارس ابتدایی و راهنمایی*، دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی کارشناسی مقطع راهنمایی.
- متقی هندی، علا الدین (۱۹۹۳م)، *کنز العمال*، دمشق: مؤسسة الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ لغت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ملکی، حسن (۱۳۸۲)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر برنامه‌ریزی درسی»، *مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات محراب قلم، چاپ اول.

منفرد، غلامرضا (۱۳۶۹)، «بررسی نظرات دانش‌آموزان و معلمان کلاس سوم دبستان‌های تهران در زمینه کتاب تعلیمات دینی پایه سوم ابتدایی»، با همکاری حجت‌الله اکبری، طرح پژوهشی دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی.

موسوی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۷۴)، «سیر تحولات برنامه‌های آموزشی دینی در مقطع ابتدایی»، خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت با عنوان تربیت دینی کودکان و نوجوانان.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۸)، طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آ. پ، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، جلد ۱ و ۲، تهران: محراب قلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی